

بررسی رابطه سلامت عمومی و نگرش به پلیس با ترس از جرم شهروندان

تاریخ پذیرش: ۹۶/۸/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۵/۲۹

علیرضا حمیدی فر^۱، قدرت‌اله عباسی^۲، سمیرا رحمانی‌جوانمرد^۳

از صفحه ۱۴۷ تا ۱۶۶

چکیده

زمینه و هدف: امروزه ترس از جرم به واقعیت اجتماعی متمایزی حتی مهم‌تر از خود جرم مبدل شده است و موضوعی است که مسئله سلامت عمومی افراد و بحث امنیت شهرها را به چالش کشانده است. هدف این پژوهش بررسی رابطه سلامت عمومی و نگرش به پلیس با ترس از جرم شهروندان شهر ساری است.

روش: پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل تمام شهروندان شهر ساری هستند (۲۹۶۴۱۷ نفر) که از بین آن‌ها ۳۰۵ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب و مورد پرسش قرار گرفتند. داده‌ها با کمک پرسشنامه‌های روا و پایای سلامت عمومی (آلفای کرونباخ ۰/۸۲)، نگرش نسبت به پلیس (آلفای کرونباخ ۰/۷۶) و ترس از جرم (آلفای کرونباخ ۰/۸۸) جمع‌آوری و با کمک نرم‌افزار «اس.پی.اس.اس» و با استفاده از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندمتغیری تحلیل شدند.

یافته‌ها و نتایج: یافته‌ها نشان داد که رابطه معنادار و منفی بین متغیرهای سلامت عمومی و نگرش نسبت به پلیس با ترس از جرم وجود دارد. نتایج این پژوهش نشان داد که دارا بودن سلامت روان و داشتن نگرش مثبت نسبت به پلیس و اعتماد به آن می‌تواند به‌عنوان بازدارنده‌های ترس از جرم و ایجاد احساس امنیت عمومی در بین شهروندان عمل کند.

کلیدواژه‌ها: سلامت عمومی، نگرش به پلیس، ترس از جرم، ساری، امنیت

۱- دکتری امنیت

۲- استادیار گروه روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ایران. نویسنده مسئول. رایانامه: gh_abbasi@iausari.ac.ir

۳- دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

مقدمه

ترس و نگرانی از جرم و بزه‌دیدگی یکی از ترس‌هایی است که بسیاری از ساکنان شهرهای بزرگ به نوعی با آن درگیرند و بر کیفیت زندگی و سلوک و رفتار اجتماعی آن‌ها تأثیر فراوانی برجای می‌گذارد (فوریدی^۱، ۲۰۰۷) و به‌عنوان یکی از عوامل پایین آوردنده کیفیت زندگی و میزان امنیت، مطرح می‌شود (هوانگ^۲، ۲۰۰۶). وار^۱ (۲۰۰۰) ترس از جرم را از تلقی خطر متمایز کرده و آن را به صورت احساس خطر یا بیم ناشی از آگاهی از خطر تعریف می‌کند که شامل مجموعه‌ای از وضعیت‌های عاطفی، نگرش‌ها یا برداشت‌هایی چون بی‌اعتمادی به دیگران، اضطراب، تلقی از خطر، ترس از غریبه‌ها، نگرانی از وخامت اوضاع محل یا افول اخلاقیات ملی است. در واقع، ترس از جرم نوعی اضطراب منطقی یا غیرمنطقی است که در نتیجه این استنباط پدید می‌آید که فرد در معرض خطر بزه‌دیدگی است (وار، ۲۰۰۰). ترس از جرم دارای پیامدهای مهمی است و با سلامت روانی ضعیف‌تر، فعالیت‌های جسمانی کاهش یافته و کیفیت پایین‌تر زندگی همراه است و افرادی که ترس از جرم بیشتری دارند کمتر در فعالیت‌های اجتماعی شرکت می‌کنند و احساس امنیت کمتری دارند (استافورد، چاندولا و مارموت^۲، ۲۰۰۷). رادر، کاسمن و پورتر^۳ (۲۰۱۲) در پژوهشی نشان دادند که ترس از جرم به طور مستقیم با آسیب‌پذیری اجتماعی و به طور غیرمستقیم با آسیب‌پذیری فیزیکی در ارتباط است. مهم‌ترین دلیل مطرح شدن مفهوم ترس از جرم فاصله میان میزان خطر واقعی بزه‌دیدگی و درک افراد از احتمال بزه‌دیدگی است. براساس بیشتر پژوهش‌های انجام شده، ترس از جرم سنخیتی با میزان واقعی جرایم ندارد. افراد در بیشتر جوامع بر این باورند که میزان جرایم در محل زندگی‌شان بیش از سایر مکان‌ها است یا تصور می‌کنند که آمار جرایم نسبت به گذشته افزایش یافته، حال آن که آمارهای رسمی چنین نمی‌گویند (سیدزاده ثانی، ۱۳۸۷). با توجه به این که ترس از جرم، به سلامت فردی و همبستگی گروهی آسیب می‌رساند و

1-War

2- Stafford, Chandola, & Marmot

3- Rader, Cossman & Porter

راهبردهای کنترل جرم را تشدید می‌کند (هاملشیم، هیرتنلنر، جکسون و اوبرایتلر^۱، ۲۰۱۰) و این امر می‌تواند تأثیر منفی بر احساس امنیت افراد جامعه داشته باشد، بنابراین ضرورت دارد که متغیرهایی که نقش مهمی در کاهش یا افزایش آن دارند مورد بررسی قرار گیرند.

یکی از عواملی که می‌تواند در رابطه با ادراک ترس از جرم مورد بررسی قرار گیرد، سلامت عمومی^۲ است (جکسون و استفورد^۳، ۲۰۰۹). سازمان بهداشت جهانی^۴ (۲۰۰۸) سلامت عمومی را بخش بسیار مهمی در حیطه سلامت دانسته و برنامه‌ریزی برای بهبود آن را مؤثر و ضروری می‌داند. در دیدگاه این سازمان، سلامت عمومی فقط فقدان اختلال روانی تلقی نمی‌شود، بلکه حالتی از رفاه و آسایش است که براساس آن هر شخص خودش را توانمند و با استعداد می‌داند و می‌تواند با فشارهای روانی طبیعی زندگی کنار آید، به طور مفید و موفقیت‌آمیزی کار کند و در اجتماع مشارکت داشته باشد. کوشی^۵ (۱۹۸۵) نیز سلامت عمومی را شامل عملکرد سازگارانه فرد و نیز سازش‌یافتگی او با جهان می‌داند که حاصل چنین عملکردی احساس اثربخشی و سعادت‌مندی است. همچنین، او سلامت عمومی را تنها کارایی و احساس رضایت نمی‌داند بلکه آن را حالت تعادل درون خود و محیط می‌داند. امروزه با توجه به رشد و توسعه شهرنشینی و گسترش کلان‌شهرها و پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی، میزان درگیری افراد در فشارهای روانی ناشی از زندگی در شهر افزایش یافته است و دارا بودن احساس ناامنی، افسردگی و عزت نفس پایین بر ترس از جرم شهروندان تأثیرگذار است (نبوی و چبیشه، ۱۳۹۳). یافته‌های پژوهش پیرسون و بریتزک^۶ (۲۰۱۴) نشان داد که ترس از جرم، بجای میزان جرایم ثبت شده، با پیامدهای سلامت فیزیکی و روانی پایین‌تری همراه است.

1- Hummelsheim, Hirtenlehner, Jackson & Oberwittler

2- General Health

3- Jackson & Stafford

4- World Health Organization

5- Koshy

6- Pearson & Breetzke

نگرش نسبت به پلیس^۱ می‌تواند از دیگر متغیرهای مرتبط با ترس از جرم پایین در شهروندان باشد (اسکوگان^۲، ۲۰۰۹). یکی از مهم‌ترین مسائل در جوامع دموکراتیک در رابطه با پلیس، نگرش شهروندان نسبت به پلیس است (کو، استک و سان^۳، ۱۹۹۸) که اغلب به خاطر اهمیت و رابطه آن با حمایت شهروندان از وجود نظم در جامعه مورد مطالعه قرار می‌گیرد و می‌توان گفت که یکی از اهداف مهم پلیس در جامعه ایجاد اعتماد بین پلیس و جامعه و تأثیر بر برداشت و ادراک شهروندان است. نقش پلیس در جامعه اغلب با تصور و ذهنیتی که مردم از پلیس دارند تعریف می‌شود و بیشتر شهروندان ذهنیت خود نسبت به پلیس را از تجاربشان به عنوانی قربانی، شاهد و یا مظنون شکل می‌دهند (کلینینگ و کلوز^۴، ۱۹۹۶). نگرش شهروندان نسبت به رفتار پلیس براساس گفتگو با خانواده، دوستان، همسایه‌ها و همکاران فرد شکل می‌گیرد. براین اساس، افرادی که تجارب مثبت یا منفی با پلیس داشته‌اند یا رفتار خوشایند یا ناخوشایند از پلیس دیده‌اند، آن را برای دیگران تعریف می‌کنند و از این طریق موجب شکل‌گیری نگرش شهروندان می‌شوند (ویتزر و توچ^۵، ۲۰۰۶). رضایت و اعتماد شهروندان به پلیس با رفتارهای مطیع قانون مرتبط بوده و پیش‌نیاز همکاری آن‌ها با سازمان پلیس است و می‌تواند برای کمک به بهبود روابط پلیس و جامعه به کار برده شود (پوسیک، روک و مک‌دویت^۶، ۲۰۱۳). شواهد نشان می‌دهند که در سال‌های اخیر، شهرها با افزایش ملموس جرم و بزهکاری مواجه شده‌اند که این امر احساس ناامنی و بی‌اعتمادی به پلیس را دامن زده است. همچنین، تغییر رویکرد پلیس از تهدیدمحوری به جامعه‌محوری نیز نقش قابل توجهی در بهبود عملکرد پلیس و نگرش شهروندان نسبت به پلیس داشته است. در واقع برنامه‌هایی که برای تقویت کمی و کیفی ارتباط پلیس با مردم طراحی می‌شود، تأثیر موفقیت‌آمیزی در کاهش احساس ناامنی داشته و نیز هرچقدر سطح تماس و دسترسی مردم با پلیس

1- Attitudes Toward Police

2- Skogan

3- Cao, Stack & Sun

4- Kleinig & Cloes

5- Weitzer & Tuch

6- Posick, Rocque & McDevitt

بیشتر باشد، مردم احساس امنیت بیشتری خواهند داشت و اعتماد به پلیس و ادراک خطر در بین شهروندان به طور منفی به هم مرتبط هستند (هو و مک کین^۱، ۲۰۰۴). شواهد برخی پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهد که نقش و حضور پلیس در کاهش ترس از جرم متناقض است. به عبارت دیگر حضور پلیس در مکان‌ها باعث اطمینان شهروندان می‌شود و از طرف دیگر می‌تواند به‌عنوان پاسخی به جرم و جنایت و نابهنجاری بیشتر تصور شود (مسکو، فالشور، رپ و هويسمن^۲، ۲۰۰۷). در مجموع با توجه به این‌که یکی از شاخص‌های مهم تهدید امنیت و احساس ناامنی در میان عموم مردم ترس از جرم است و ادراک ترس از جرم در محله‌های شهری الزاماً منحصر به محله‌های جرم‌خیز نیست و نظر به یافته‌های مهم آن در سطح فردی و انسجام اجتماعی، پژوهش حاضر به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا بین سلامت عمومی و نگرش نسبت به پلیس با ترس از جرم شهروندان شهر سازی رابطه وجود دارد.

پیشینه پژوهش: پژوهش‌های مختلفی به بررسی ترس از جرم و عوامل مؤثر بر آن مانند سلامت عمومی و نگرش به پلیس پرداختند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

عظیمی (۱۳۹۵) در پژوهشی با هدف بررسی رابطه ترس از جرم و سلامت عمومی در زنان شهر زنجان دریافت که نگرانی از قربانی شدن، با افسردگی، اضطراب، کارکرد اجتماعی و با نشانه‌های جسمانی رابطه معنادار دارد. لورنس، پتیکریو، وایتهد، ناری، کلایتون و همکاران^۳ (۲۰۱۴) در پژوهشی با هدف بررسی جرم و ترس از جرم و ارتباط منفی آن با سلامت روانی و بهزیستی ذهنی دریافتند که ارتباط غیرمستقیم و پیچیده‌ای بین جرم، ترس از جرم، محیط و سلامت روان در سطوح فردی و اجتماعی وجود دارد و ترس از جرم، سلامت ضعیف‌تری برای افراد به همراه دارد. کورناجلیا، فلدمن و لیک^۴ (۲۰۱۴) در پژوهشی با هدف بررسی اثر جرم بر بهزیستی روانی قربانیان و غیر قربانیان دریافتند که بهزیستی روانی افراد بعد از قربانی شدن در جرایم

1- Ho & McKean

2- Meško, Fallshore Rep & Aletha

3- Lorenc, Petticrew, Whitehead, Neary, Clayton & et all

4- Cornaglia, Feldman & Leigh

خشن کاهش می‌یابد و میزان جرایم خشن نیز تأثیر منفی بر بهزیستی روانی غیر قربانیان دارد. روبرتس، استیکلی، پتیکرو و مک‌کی^۱ (۲۰۱۲) در پژوهشی با هدف بررسی رابطه ترس از جرم و میزان پریشانی روان‌شناختی در هشت کشور دنیا دریافتند که بین نگرانی در مورد جرم و پریشانی روان‌شناختی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. جکسون و استافورد^۲ (۲۰۰۹) در پژوهشی با هدف بررسی سلامت عمومی و ترس از جرم دریافتند که رابطه معناداری بین سلامت روانی و عملکرد فیزیکی و نگرانی از جرم وجود دارد. این پژوهشگران نشان دادند که نگرانی از جرم و جنایت، سلامت و بهداشت روانی جامعه را تهدید می‌کند و منجر به افزایش نگرانی در مورد جرم و جنایت می‌شود.

باباخانی (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت با تأکید بر نقش پلیس پرداخته است. پژوهش او نشان داد که نگرش به پلیس هرچند به صورت مستقیم تأثیر چندانی بر میزان احساس امنیت شهروندان ندارد، اما این متغیر به صورت غیرمستقیم از طریق همبستگی با احساس انومی می‌تواند نقشی بسیار مؤثری در ارتقای امنیت شهروندان ایفا کند. نوزیگر و ویلیامز^۳ (۲۰۰۵) در پژوهشی با عنوان «چگونگی برداشت از پلیس و امنیت در شهرهای کوچک» به بررسی پیش‌بینی‌کننده‌های اعتماد به پلیس و نقش آن در کاهش احساس ناامنی اجتماعی پرداختند. آن‌ها دریافتند که اعتماد به پلیس یا نگرش مثبت به پلیس منجر به کاهش تصور جرم و به نوبه خود منجر به افزایش احساس امنیت در جامعه می‌شود. این پژوهش نشان داد که ترس از جرم می‌تواند از طریق تعامل مثبت بین پلیس با ساکنان جامعه کاهش یابد، بنابراین علاوه بر اجرای قانون به‌طور مؤثر، تلاش سازمان پلیس برای توسعه روابط اجتماعی خوب در مدیریت امنیت شهری اهمیت دارد. اوکانر^۴ (۲۰۰۸) در پژوهشی با هدف بررسی نگرش افراد به پلیس کانادا دریافت که چندین گروه از مردم مانند جوانان، اقلیت‌ها، مردان، افرادی که قربانی شدن در جرایم

1- Roberts, Stickley, Petticrew & McKee

2- Jackson & Stafford

3- Nofziger, & Williams

4- O'Connor

را تجربه کرده‌اند، افرادی که از امنیت‌شان ناراضی هستند و کسانی که محله خود را با جرم و جنایت بالا گزارش می‌کنند، نگرشی منفی نسبت به پلیس دارند. داوولر^۱ (۲۰۰۳) در پژوهشی در مورد ترس از جرم و تأثیرات رسانه ای دریافت که ترس از جرم نقش مهمی در تعیین نگرش افراد در مورد پلیس دارد و شهروندانی که ترس از قربانی شدن در جرم و جنایت را دارند، در مورد خودکارآمدی پلیس نگرش منفی دارند. آلد، بنت و مرابیتو^۲ (۲۰۱۷) در پژوهشی با هدف بررسی اثر میانجی اعتماد درونی به پلیس در ترس از جرم شهروندان در هفت کشور در حال توسعه کشورهای کارائیب دریافتند که اعتماد به پلیس نقشی مهم و جزئی در تبیین ترس از جرم ایفا می‌کند. همچنین، اسکوگان^۳ (۲۰۰۹) در پژوهشی با هدف بررسی اعتماد به پلیس و نگرانی از جرم از این یافته حمایت کرد که افزایش اعتماد به پلیس منجر به کاهش نگرانی از جرم می‌شود.

سبب‌شناسی ترس از جرم: دانشمندان عدالت کیفری و روان‌شناسان به مدت طولانی برای فهمیدن علل بالقوه ترس از جرم تلاش کرده‌اند. این تلاش‌ها نشان می‌دهد سه مدل غالب یا سنتی برای توضیح و تبیین ترس از جرم وجود دارد.

مدل آسیب‌پذیری: مقدار قابل توجهی از توجه به ادبیات ترس از جرم مربوط به تلقی افراد از میزان آسیب‌پذیری در احساس ترس است. پژوهش‌هایی وجود دارد که شاخص‌های جمعیت‌شناختی مانند سن، جنسیت، نژاد، درآمد، تحصیل و وضعیت تأهل را برای پیش‌بینی کردن تأثیر آسیب‌پذیری فیزیکی و اجتماعی در ترس از جرم مورد بررسی قرار داده‌اند (اسچافر، هیونر و بینوم^۴، ۲۰۰۶). بر این اساس، افرادی که احساس می‌کنند می‌توانند از طریق مقاومت جسمی، اجتماعی و یا اقتصادی از خودشان محافظت کنند، سطوح پایین‌تری از ترس از جرم را در مقایسه با افرادی که فاقد ظرفیت لازم برای محافظت از خود هستند، گزارش می‌کنند. مفهوم آسیب‌پذیری به دو دسته اصلی آسیب‌پذیری فیزیکی و اجتماعی تقسیم می‌شود.

1- Dowler

2- Alda, Bennett & Morabito

3- Skogan

4- Schafer, Heubner & Bynum

آسیب‌پذیری فیزیکی مربوط به ادراک افزایش تهدید به حمله فیزیکی است. این شکل از آسیب‌پذیری ناشی از توانایی کاهش یافته برای دفع حمله به خاطر تحرک محدود و یا فقدان قدرت و شایستگی فیزیکی است. در واقع، سن و جنس اغلب به‌عنوان آسیب‌پذیری فیزیکی و به‌صورت تحرک و قدرت کاهش یافته مطرح می‌شوند. هر دوی این عناصر به لحاظ نظری با افزایش خطر فیزیکی مرتبط هستند و در نتیجه آسیب‌پذیری فیزیکی افراد را افزایش می‌دهند (فرانکلین، فرانکلین و فرن^۱، ۲۰۰۸).

مدل بی‌نظمی متمرکز بر تسهیل ترس: فرض اساسی مدل بی‌نظمی متمرکز بر تسهیل ترس این است که بی‌نزاکتی‌های محله، جلوه‌هایی از اختلال فیزیکی و اجتماعی هستند که بیشتر از تجربه واقعی جرم و جنایت، ساکنان را تهدید می‌کند (وررال^۲، ۲۰۰۶). اسکاربورق، لایک-هیزلیپ، نوواک، لاکاس و آلارید^۳ (۲۰۱۰) در پژوهشی نشان دادند که بافت محله بر ترس از جرم و جنایت اثرگذار است و در بیشتر موارد ارتباط بین ویژگی‌های فردی و ترس از جرم و جنایت مشروط به بافت محله است. در واقع، فروپاشی فیزیکی و زوال نشانه‌های محله، فقدان نگرانی محله و فقدان کنترل اجتماعی رسمی منجر به ادراک شهروندان از اختلال و بی‌نظمی در محله می‌شود. احمدی، سروش و افراسیابی (۱۳۸۸) نیز معتقدند که متغیرهای مربوط به محله از جمله بی‌نزاکتی، دل‌بستگی به محله، کیفیت محله و درک جرم در محله با ترس از جرم رابطه دارند.

مدل یکپارچگی اجتماعی: در زمینه انتقال از تسهیل‌کننده‌های ترس به مهارکننده‌های ترس، مدل یکپارچگی اجتماعی بیان می‌کند که افرادی که از نظر اجتماعی با محله‌هایشان یکپارچه شدند، سطوح پایین‌تری از ترس از جرم را نسبت به کسانی که به‌خوبی با جامعه‌شان ارتباط برقرار نکردند، تجربه می‌کنند (رونتر و لاند^۴، ۱۹۹۶). یکپارچگی اجتماعی به‌عنوان احساس تعلق به محیط محله و دل‌بستگی به جامعه تعریف شده است. هانتر و بومر^۵ (۱۹۸۲) یکپارچگی اجتماعی را

1- Franklin, Franklin & Fearn,

2- Worrall

3- Scarborough, Like-Haislip, Novak, Lucas & Alarid

4- Rountree & Land

5- Hunter & Baumer

به‌عنوان فرآیند شناسایی غریبه‌ها در منطقه و میزانی که همسایه‌ها احساس می‌کنند بخشی از محله هستند، تعریف می‌کنند. همچنین یکپارچگی اجتماعی، مشارکت در سازمان‌های رسمی، مشارکت در فعالیت‌های محله، درگیر شدن در اشتراک‌گذاری اطلاعات محله، درک شباهت میان ساکنان و داشتن دوستان یا اقوامی که در محله زندگی می‌کنند، را دربرمی‌گیرد. در مجموع، ساکنانی که احساس تعلق به محله دارند و همسایه‌ها را می‌شناسند سطوح پایین‌تری از ترس را گزارش می‌کنند.

سلامت عمومی: یانگ^۱ (۲۰۱۰، به نقل از صبری‌زاده، ۱۳۸۹) معتقد است که سلامت عمومی توانایی دفع وضعیت‌های ناخوشایند و سازگار شدن با تغییرات محیطی و مقابله با فشار روانی و ناراحتی است. در دیدگاه روان‌شناسان مثبت‌نگر و کل‌نگر نیز، سلامت روان دربرگیرنده توانایی فرد برای لذت بردن از زندگی، ایجاد تعادل بین فعالیت‌های زندگی و کوشش برای رسیدن به بهبودپذیری روانی تعریف شده است. دیدگاه انسان‌گرایی معتقد است که سلامت عمومی به معنی ارضای نیازهای سطوح پایین و رسیدن به سطح خودشکوفایی است. هر عاملی که فرد را در سطح نیازهای سطوح پایین نگه دارد و از خودشکوفایی او جلوگیری کند، اختلال رفتاری به وجود خواهد آورد (احمدی، مرزبان و روحانی، ۱۳۹۰).

بر اساس نظریه واقعیت‌درمانی گلاسر^۲، انسان سالم انسانی است که نیازهای اساسی او رفع شده باشد (لطافتی‌بریس، ۱۳۸۹). همچنین، بر اساس نظریه خودتعیین‌گری^۳ (دسی و رایان^۴، ۲۰۰۰)، نیازهای بنیادی روان‌شناختی در افزایش بهزیستی اهمیت بسزایی دارند و نوسانات در میزان ارضای نیازهای اساسی به‌طور مستقیم تغییرات در میزان بهزیستی و سلامت شخص را پیش‌بینی می‌کند. در این نظریه بر خودنظم‌دهی و بهزیستی افراد تأکید شده است و در نهایت سه نیاز ذاتی روان‌شناختی شایستگی، خودمختاری و ارتباط با دیگران را معرفی می‌کند که ارضاء

1- Young

2- Glasser

3- Self-determination theory

4- Deci, & Ryan

شدن آن‌ها منجر به افزایش خودانگیزی و سلامت عمومی می‌شود و اگر مانعی بر سر راه آن‌ها ایجاد شود، بهزیستی فرد و انگیزه او کاهش می‌یابد.

آنتونوسکی^۱ (۱۹۸۷) نیز معتقد است که افراد دارای سلامت عمومی از حس انسجام بالایی برخوردار هستند. از نظر او حس انسجام باعث می‌شود فرد از منابع و توانایی‌هایی مختلفی برای مواجهه با مجموعه‌ای از محرک‌ها برخوردار شود. افراد دارای حس انسجام قوی به‌طور انعطاف‌پذیری به شرایط واکنش نشان می‌دهند. از این‌رو، می‌توانند منابع مناسب را که برای مقابله با انواع شرایط خاص مورد نیاز است، فعال کنند. در مقابل، افراد با حس انسجام ضعیف یا توسعه‌نیافته به تقاضاها و شرایط به یک شیوه سخت و انعطاف‌ناپذیر واکنش نشان می‌دهند و خودشان را به‌عنوان فردی که منابع مقابله‌ای لازم را ندارند، درک می‌کنند.

رویکردهای تبیینی نگرش نسبت به پلیس: به‌منظور بررسی نگرش نسبت به پلیس، سه رویکرد ویژگی‌های دموگرافیک، بافت محله و تعامل شهروند/ پلیس مطرح شده است که به ترتیب به بیان آن‌ها پرداخته می‌شود.

رویکرد دموگرافیک: حدود چهار دهه است که بیشتر پژوهش‌ها اثر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افراد مانند سن، جنس، درآمد، وضعیت تأهل و تحصیل را بر نگرش نسبت به پلیس مورد بررسی قرار داده‌اند. رن، کاو، لاورینج و کافنی^۲ (۲۰۰۵) معتقدند که در بین متغیرهای جمعیت‌شناختی سن، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده رضایت عمومی از پلیس است. در این زمینه، افراد مسن بر این باوراند که پلیس وظایفش را به‌خوبی انجام می‌دهد در حالی که، افراد جوان عملکرد پلیس را ضعیف ارزیابی می‌کنند. همچنین هرچه سن زنان بالاتر می‌رود بر حسب افزایش تجارب شخصی‌شان از پلیس و عملکرد آن‌ها، میزان احساس امنیت اجتماعی‌شان بالاتر می‌رود (محسنی‌تبریزی و حیدری، ۱۳۹۰). شواهد همچنین نشان می‌دهند که زنان تمایل دارند ارزیابی بهتری از پلیس نسبت به مردان ارائه دهند. در مورد تحصیل نیز، برخی از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افراد با سطح تحصیل کمتر بیشتر به کارآمدی پلیس

1- Antonovsky

2- Ren, Cao, Lovrich & Gaffney

اطمینان دارند درحالی که فرانک، اسمیت و نوواک^۱ (۲۰۰۵) نشان دادند که سطوح بالاتری از تحصیل منجر به نگرش مثبت نسبت به پلیس می‌شود. در مورد تأثیر درآمد بر نگرش نسبت به پلیس نیز تناقض‌های مشابهی مطرح شده است. برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که با افزایش درآمد میزان اعتماد به پلیس افزایش می‌یابد.

رویکرد بافت محله: این مدل تلاش می‌کند تا ارتباط بین شاخصه‌های مرتبط با محله و نگرش عمومی نسبت به پلیس را مورد بررسی قرار دهد و این که شاخصه‌های محله، تأثیر بسزایی بر قضاوت شهروندان در مورد پلیس دارند (ویتزر و توج، ۲۰۰۵). این شاخصه‌ها شامل تجربیات شخصی ساکنان در محله مانند تجربه قربانی شدن، ترس از جرم، ضرر اقتصادی و جنایات است (برون و بندیکت^۲، ۲۰۰۲). پژوهش‌ها نشان داده‌اند قربانیان جرم و جنایت دید منفی نسبت به پلیس دارند و تجربه قربانی شدن باعث می‌شود که افراد احساس آسیب‌پذیری جسمی کنند و اغلب معتقد باشند که پلیس در محافظت از آن‌ها شکست خورده است. رن و همکاران (۲۰۰۵) استدلال کردند که علت اصلی ارزیابی منفی قربانیان از عملکرد پلیس به این دلیل است که آن‌ها پلیس را مسئول ارتکاب جرم علیه خودشان می‌دانند.

رویکرد تعامل شهروند و پلیس: پژوهش‌ها نشان می‌دهند که رضایت ساکنان از پلیس منجر به ارزیابی بهتر از پلیس می‌شود. درحالی که برخوردهای ناخوشایند با افسران پلیس منجر به ایجاد نگرش منفی نسبت به پلیس می‌شود (برون و بندیکت، ۲۰۰۲). رن و همکاران (۲۰۰۵) دریافتند که تعامل‌های مثبت ساکنان با پلیس اغلب به سطوح بالاتری از اعتماد عمومی به پلیس منجر می‌شود، به عبارت دیگر سطوح حضور پلیس و تعامل با ساکنان اغلب یک علامت مشهود را به مجرمان بالقوه ارسال می‌کند که در صورت تصمیم به ارتکاب جرم، بازداشت خواهند شد. همچنین، چرماک، مک‌گارل و ویز^۳ (۲۰۰۱) دریافتند که افزایش حضور پلیس مانند برنامه‌های گشت‌زنی با ارزیابی مثبت ساکنان از پلیس مرتبط است و با افزایش توانمندی و فعالیت اجتماعی پلیس احساس امنیت شهروندان افزایش می‌یابد.

1- Frank, Smith & Novak

2- Brown, & Benedict

3- Chermak, McGarrel & Weiss

روش

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل تمام شهروندان شهر ساری هستند (۲۹۶۴۱۷ نفر) که از بین آن‌ها ۳۰۵ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب و مورد پرسش قرار گرفتند. داده‌ها با کمک پرسشنامه‌های روا و پایای سلامت عمومی (آلفای کرونباخ ۰/۸۲)، نگرش نسبت به پلیس (آلفای کرونباخ ۰/۷۶) و ترس از جرم (آلفای کرونباخ ۰/۸۸) جمع‌آوری و با استفاده از نرم‌افزار «اس.پی.اس.اس» و آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندمتغیری تحلیل شدند.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی: حجم نمونه این پژوهش ۳۰۵ نفر بود که از این تعداد ۱۹۵ نفر مرد و ۱۱۰ نفر زن با دامنه سنی ۱۸ تا ۵۵ سال بودند. همچنین، میانگین و انحراف معیار سن شرکت‌کنندگان در این پژوهش به ترتیب ۳۰/۲۷ و ۹/۴۶ بود. یافته‌های توصیفی مربوط به میانگین، انحراف معیار و چولگی^۱ و کشیدگی^۲ نمره‌های آزمودنی‌ها روی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ نشان داده شده است. همان‌گونه که جدول نشان می‌دهد، میانگین و انحراف معیار آزمودنی‌های در سلامت عمومی ۲۵/۴۵ و ۵/۱۹، نگرش به پلیس، ۳۶/۶۷ و ۱۰/۲۱ و ترس از جرم ۱۶/۵۴ و ۵/۹۰ است. همچنین، با توجه به اینکه مقدار چولگی و کشیدگی متغیرهای پژوهش در سلامت عمومی (۰/۴۶۶- و ۰/۲۷۰)، نگرش به پلیس (۰/۵۷۷- و ۰/۰۴۴-) ترس از جرم (۱/۷۳ و ۱/۹۲) در بازه ۰، ۲- قرار دارد، نشان می‌دهد که این شاخص‌ها از توزیع نرمال برخوردارند.

1-Skewness
2-Kurtosis

جدول ۱: یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

| مقیاس | شاخص توصیفی | میانگین | انحراف معیار | کمینه | بیشینه | چولگی | کشیدگی |
|--------------|-------------|---------|--------------|-------|--------|--------|--------|
| سلامت عمومی | ۲۵/۴۷ | ۵/۱۹ | ۱۰ | ۳۶ | -۰/۴۶۶ | -۰/۲۷۰ | |
| نگرش به پلیس | ۳۶/۶۷ | ۱۰/۲۱ | ۱۱ | ۵۵ | -۰/۵۷۷ | -۰/۰۴۴ | |
| ترس از جرم | ۱۶/۵۴ | ۵/۹۰ | ۸ | ۵۰ | ۱/۷۳ | ۱/۹۲ | |

یافته‌های استنباطی: برای پاسخ به سوال این پژوهش دو فرضیه تعریف و با کمک ضریب همبستگی پیرسون آزمون شدند. یافته‌های مربوط به دو فرضیه پژوهش در جدول ۲ ارائه شده است. همانطور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، ضریب همبستگی بین سلامت عمومی و ترس از جرم، $0/35-$ و ضریب همبستگی بین نگرش به پلیس با ترس از جرم، $0/47-$ است که بیانگر رابطه منفی و معنادار بین متغیرهای پژوهش است.

جدول ۲: ضریب همبستگی بین سلامت عمومی و نگرش به پلیس با ترس از جرم

| شاخص | ضریب همبستگی (R) | سطح معنی‌داری (sig) |
|--------------|------------------|---------------------|
| سلامت عمومی | -۰/۳۵ | ۰/۰۰۱ |
| نگرش به پلیس | -۰/۴۷ | ۰/۰۰۱ |

برای مشخص کردن رابطه چندگانه بین متغیرهای پژوهش از رگرسیون چندگانه استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ و ۴ ارائه شده است.

جدول ۳: رگرسیون سلامت عمومی و نگرش به پلیس بر ترس از جرم

| مدل | R | R ² | F | سطح معنی‌داری (P) | آزمون دوربین واتسون |
|-----|------|----------------|-------|-------------------|---------------------|
| ۱ | ۰/۴۹ | ۰/۲۴ | ۴۹/۶۵ | ۰/۰۰۱ | ۱/۹۹ |

جدول ۴: محاسبه ضریب بتا و سطح معنی‌داری سلامت عمومی و نگرش به پلیس بر ترس از جرم

| متغیرهای پیش‌بین | ضریب استاندارد نشده | | ضریب استاندارد شده | | سطح معنی‌داری sig |
|------------------|---------------------|----------------|--------------------|--------|-------------------|
| | B | خطای استاندارد | Beta | T | |
| سلامت عمومی | -۰/۲۰۲ | ۰/۰۶۳ | -۰/۱۷۸ | -۳/۱۹۰ | ۰/۰۰۲ |
| نگرش به پلیس | -۰/۲۲۶ | ۰/۰۳۲ | -۰/۳۹۱ | -۷/۰۰۴ | ۰/۰۰۱ |

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، میزان R یا ضریب رگرسیون $0/49$ است و استفاده از آزمون F نشان می‌دهد که این مقدار در سطح $0/001$ معنی‌دار

است؛ این امر نشان‌دهنده وجود رابطه معنی‌دار بین سلامت عمومی و نگرش به پلیس با ترس از جرم است. میزان R^2 یا ضریب تعیین رگرسیون چندگانه نیز برابر $0/24$ است و بیانگر آن است که ۲۴ درصد تغییرات ترس از جرم ناشی از سلامت عمومی و نگرش به پلیس و مابقی ناشی از عوامل ناشناخته دیگر است.

همچنین فرض اساسی تحلیل رگرسیون چندگانه، یعنی استقلال متغیرهای مستقل در این پژوهش، با کمک آزمون دوربین واتسون^۱ بررسی شد که نتایج حاصل از آن برابر با $1/99$ است و نشان از استقلال متغیرهای پیش‌بین دارد. همچنین، همانطور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، ضریب بتا برای سلامت عمومی $-0/178$ و نگرش به پلیس $-0/391$ است؛ این یافته‌ها نشان می‌دهند که هر دو متغیر ترس از جرم را پیش‌بینی می‌کنند اما از بین متغیرهای وارد شده به معادله، متغیر نگرش به پلیس پیش‌بینی کننده قوی‌تری برای ترس از جرم است.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد که بین سلامت عمومی و نگرش به پلیس با ترس از جرم شهروندان رابطه چندگانه وجود دارد؛ یعنی سلامت عمومی و نگرش به پلیس پیش‌بینی کننده ترس از جرم شهروندان است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، بین سلامت عمومی و ترس از جرم شهروندان رابطه منفی وجود دارد که با نتایج پژوهش‌های استافورد و همکاران (۲۰۰۷)، لورنس و همکاران (۲۰۱۴) و کورناجلیا و همکاران (۲۰۱۴) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت سلامت عمومی توانایی دفع وضعیت‌های ناخوشایند و سازگار شدن با تغییرات محیطی و مقابله با استرس و ناراحتی و همچنین توانایی لذت بردن از زندگی، ایجاد تعادل بین فعالیت‌های زندگی و کوشش برای رسیدن به بهبودپذیری روانی است. بسته به میزان برخورداری شهروندان از سلامت عمومی، عملکرد آن‌ها در کنترل استرس‌های اجتماعی متفاوت خواهد بود. افراد فاقد سلامت روان بسیار آسیب‌پذیرند چراکه در برابر مشکلات

1-Durbin watson

روزمره انعطاف‌ناپذیرند. بر اساس نظر آنتونوسکی^۱ (۱۹۸۷) افراد دارای سلامت عمومی از حس انسجام بالایی برخوردار هستند این ویژگی باعث می‌شود افراد ارزیابی مطلوبی از شرایط منفی محیط داشته و به‌طور انعطاف‌پذیری به شرایط واکنش نشان دهند و از منابع مناسب و سودمند برای مقابله با انواع شرایط خاص استفاده نمایند. در واقع سلامت ضعیف‌تر منجر به افزایش نگرانی در مورد جرم می‌شود (جکسون و استفورد، ۲۰۰۹) و افراد با سلامت عمومی پایین‌تر احساس آسیب‌پذیری بیشتری در زمینه جرم و جنایت دارند و زمانی که افراد خود را آسیب‌پذیر فرض می‌کنند، این امر منجر به ابراز نگرانی هر روزه و مکرر آن‌ها و سطوح بالاتر پریشانی روان‌شناختی می‌شود (روبرتس و همکاران، ۲۰۱۲).

بر اساس نتایج همچنین بین نگرش به پلیس و ترس از جرم شهروندان رابطه منفی وجود دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که یکی از قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های ترس از جرم نگرشی است که افراد نسبت به عملکرد پلیس دارند و نگرش مثبت به‌عنوان اعتماد شهروندان به پلیس و کارایی آن تعریف می‌شود که اعتماد به توانمندی‌های پلیس برای مبارزه با جرم و جنایت، منجر به کاهش ترس از جرم و افزایش احساس امنیت می‌شود. در واقع منزلت و اعتبار اجتماعی پلیس در نگرش افراد نسبت به پلیس نقش بسزایی دارد و اگر اعتبار و حیثیت آن در نزد افکار عمومی مخدوش و متزلزل شود نتیجه‌ای جز تضعیف پلیس و کاهش رضایت شهروندان و افزایش جرایم نخواهد داشت. ناتوانی پلیس در از بین بردن فرصت‌ها و موقعیت‌هایی که سبب وقوع جرایم می‌شوند و عدم ارائه گزارش‌ها و اخبار و آمارهای دقیق از وقوع جرایم متناسب با واقعیت و همچنین فقدان تجربه و پختگی لازم برای مقابله با موقعیت‌های اضطراری، نارضایتی از عملکرد پلیس را به‌همراه خواهد داشت و منجر به افزایش ادراک ترس از جرم و به دنبال آن، کاهش احساس امنیت می‌شود.

براساس نتایج، نگرش نسبت به پلیس از قدرت پیش‌بین‌کنندگی بیشتری نسبت به متغیر سلامت عمومی برخوردار است. در تبیین این یافته باید گفت هر چند افراد

1- Antonovsky

سالم با به کار بستن سبک مقابله‌ای کارآمد و مسئله‌مدار از خود در مقابل شرایط تهدیدآمیز محافظت می‌کند، اما مهارت‌های شناختی مثل باور به پلیس نقش مهمتری در ترس از جرم دارد. از آنجا که پلیس نهادی است که در معرض درک، نگرش و واکنش شهروندان چه آنهایی که با پلیس ارتباط دارند و چه آنهایی که پلیس را در حین فعالیت‌های روزانه می‌بینند، قرار دارد، بنابراین باور منطقی به پلیس می‌تواند نقش مهمتری در کاهش ترس از جرم داشته باشد. افزایش رضایت از پلیس و اعتماد به توانمندی‌های پلیس برای مبارزه با جرم و جنایت به‌عنوان یک باور شناختی منطقی منجر به افزایش احساس امنیت و کاهش ترس از جرم شده و تنها در بستر اعتماد به پلیس است که ترس از جرم در جامعه کاهش می‌یابد.

پیشنادهای پژوهش

با توجه به نقش مؤثر سلامت عمومی افراد بر ترس آن‌ها از جرم، پیشنهاد می‌شود معاونت اجتماعی ناجا با همکاری اداره کل مشاوره و مددکاری ناجا عوامل مؤثر بر سلامت عمومی را شناسایی و تأثیرات جسمانی- روانی و حتی اقتصادی آن را بر جامعه بررسی و سهم دستگاه‌ها و نهادهای مختلف را در برهم زدن آن تعیین کرده و اطلاع‌رسانی کنند. همچنین، با توجه به خدمات رایگان مراکز مشاوره ناجا، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های مناسب تبلیغاتی برای شهروندان فراهم شود تا با آشنایی و مراجعه آن‌ها به مراکز مشاوره ناجا زمینه ارتقای سلامت عمومی شهروندان فراهم شود.

با توجه به اینکه افزایش سلامت عمومی در شهروندان می‌تواند منجر به کاهش ترس از جرم شود، پیشنهاد می‌شود ناجا از مشاوران، روان‌شناسان و مددکاران خود برای آموزش و تقویت مهارت‌های فردی- اجتماعی شهروندان مانند مهارت‌های زندگی سالم استفاده کند و زمینه را برای ارتقای سلامت عمومی و به نوبه خود کاهش ترس از جرم و ناامنی شهروندان فراهم آورد.

با توجه به اینکه نگرش شهروندان به پلیس در ترس از جرم نقش دارد و به نوعی نگرش منفی به پلیس منجر به احساس بی‌اعتمادی، دلهره و وحشت، عدم امنیت و احساس آسیب‌پذیری در افراد می‌شود، پیشنهاد می‌شود پلیس با همکاری

کلانتری‌های هر منطقه یا محله به شناسایی موقعیت‌های تهدیدکننده و مخاطره‌آمیز پرداخته و اقدامات لازم برای دفع این تهدیدها به‌منظور ایجاد نگرش مثبت به توانمندی‌های پلیس به عمل آورد. همچنین پیشنهاد می‌شود ناجا در راستای رفع موانع رضایت شهروندان از پلیس و رسیدگی بهتر به شکایت‌ها و درخواست‌های شهروندان تلاش کند و کارکنان و افسران پلیس با آموزش‌های لازم و کاربردی زمینه را برای ارائه تصویر مطلوب و مناسب از پلیس به شهروندان فراهم کنند.

منابع

- احمدی، حبیب؛ سروش، مریم و افراسیابی، حسین (۱۳۸۸). ترس از جرم در مناطق جرم‌خیز شهر شیراز. *جامعه‌شناسی کاربردی*. ۲۰(۲)، ۶۵-۸۰.
- احمدی، حبیب؛ مرزبان، مریم و روحانی، علی (۱۳۹۰). بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی مرتبط با سلامت روانی. *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*. ۱۱(۱)، ۹-۳۶.
- باباخانی، فرهاد (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت با تأکید بر نقش پلیس. *مجله مطالعات امنیت اجتماعی*. ۱۷(۲۱)، ۱۸۳-۱۹۹.
- سیدزاده‌ثانی، سیدمهدی (۱۳۸۷). ترس از بزه‌دیدگی مکرر. نخستین همایش پیشگیری از جرم: پیشگیری از تکرار جرم و بزه‌دیدگی. تهران: مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- صبری‌نظرزاده، راشین و عبدخدائی، سعید (۱۳۹۰). *رابطه احساس انسجام و سخت‌کوشی روان‌شناختی با سلامت روان*. اولین همایش ملی روانشناسی سلامت. اهواز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله و نصرافهانی، آرش (۱۳۹۱). *مطالعه عوامل مؤثر بر ترس از جرم در محله‌های شهری مطالعه محله‌ای در منطقه ۵ شهر تهران*. مسائل اجتماعی ایران. ۳(۱)، ۱۴۹-۱۷۶.
- عظیمی، فاطمه (۱۳۹۵). *رابطه ترس از جرم و سلامت عمومی در زنان شهر زنجان*. پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده. ۴(۶)، ۲۰-۳۴.
- لطافتی‌بریس، رامین (۱۳۸۹). *نظریه‌پردازان سلامت روان*. *مجله تازه‌های*

روان‌درمانی. ۱۶(۵۵)، ۷۶-۹۷.

- محسنی تبریزی، منوچهر و حیدری، خدیجه (۱۳۸۷). سنجش و تعیین رابطه بین نحوه عملکرد پلیس انتظامی و میزان احساس امنیت اجتماعی در بین زنان شهر زنجان. *مجله دانش انتظامی زنجان*. ۱(۱)، ۱۷-۴۲.

- محمدی، فایق؛ خانی، سعید و زندی، خلیل (۱۳۹۳). نگرش دانش‌آموزان نسبت به پلیس: مطالعه موردی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر سنندج. *دانش انتظامی کردستان*. ۵(۱۸)، ۶۱-۸۰.

- نبوی، عبدالحسین و چبیشه، فرات (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی و روانی مؤثر بر ترس از جرم (مورد مطالعه: شهروندان اهواز). *دومین کنفرانس ملی جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی*. تهران.

- هومن، حیدرعلی (۱۳۸۵). *تحلیل داده‌های چند متغیری در پژوهش رفتاری*. چاپ دوم. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات پیک صبا.

- Alda, E., Bennett, R. R., & Morabito, M. S. (2017). Confidence in the police and the fear of crime in the developing world. *An International Journal of Police Strategies & Management*. 40(2), 366-379.

- Antonovsky, A. (1993). The structure and properties of the sense of coherence scale. *Social Science & Medicine*. 36, 725-733.

- Brown, B., & Benedict, W. R. (2002). Perceptions of the police: Past findings, methodological issues, conceptual issues and police implications. *Journal of Policing*. 25, 543-580.

- Cao, L., Stack, S., & Sun, Y. (1998). Public attitudes toward the police: A comparative study between Japan and America. *Journal of Criminal Justice*. 26(4), 89-279.

- Chermak, S., McGarrell, E. F., & Weiss, A. (2001). Citizens' perceptions of aggressive traffic enforcement strategies. *Justice Quarterly*. 18, 365-391.

- Cornaglia, F., Feldman, N. E., & Leigh, A. (2014). Crime and mental well-being. *Journal of Human Resources*. 49(1), 110-140.

- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The "what" and "why" of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry*. 11(4), 227-268.

- Dowler, K. (2003). Media influence on citizen attitudes toward police effectiveness. *Journal of Policing and Society*. 12(3), 38-227.

- Frank, J., Smith, B. W., & Novak, K. J. (2005). Exploring the basis of citizens' attitudes toward Police. *Police Quarterly*. 8(2), 206-228.

- Franklin, T., Franklin, C., & Fearn, N. (2008). A multilevel analysis of the vulnerability, disorder, and social integration models of fear of crime. *Journal of Social Justice Research*. 21, 204-227.
- Furedi, F. (2007). The only thing we have to fear is the culture of fear itself. *American Journal of Sociology*. 32, 231-234.
- Ho, T., & McKean, J. (2004). Confidence in the police and perceptions of risk. *Western Criminology Review*. 5(2), 108-118.
- Hummelsheim, D., Hirtenlehner, H., Jackson, J., & Oberwittler, D. (2010). Social insecurities and fear of crime: A cross-national study on the impact of welfare state policies on crime-related anxieties, *European Sociological Review*. 27(3), 327-345.
- Hunter, A., & Baumer, T. (1982). Street traffic, social integration, and fear of crime. *Sociological Inquiry*. 52, 123-131.
- Hwang, G. E. (2006). *Multi-level test of fear of crime: The effect of social conditions, perceived community policing activities and perceived risks of victimization in a mega polis*. A dissertation for the degree of doctor of philosophy, Michigan State University.
- Jackson, J., & Stafford, M. (2009). Public health and fear of crime: A prospective cohort study. *British Journal of Criminology*. 49(6), 832-847.
- Kelling, G. L., & Coles, C. M. (1996). *Fixing broken windows: Restoring order and reducing crime in our communities*, New York: Touchstone.
- Koshy, T. K. (1985). *Revision notes on psychiatry*. 3ed, Bangalore MacMillan: India Limits.
- Lorenc, T., Petticrew, M., Whitehead, M., Neary, D., Clayton, S., Wright, K., Thomson, T., Cummins, S., Sowden, S., & Renton, A. (2013). Fear of crime and the environment: systematic review of UK qualitative evidence. *BMC Public Health*. 13, 2-8.
- Lorenc, T., Petticrew, M., Whitehead, M., Neary, D., Clayton, S., Wright, K., Thomson, T., Cummins, S., Sowden, S., & Renton, A. (2014). Crime, fear of crime and mental health: synthesis of theory and systematic reviews of interventions and qualitative evidence. *Journal of Public Health Research*. 2(2), 1-424
- Meško, G., Fallshore, M., Rep, M., & Huisman, A. (2007). Police efforts in the reduction of fear of crime in local communities– big expectations and questionable effects. *Journal of Sociological*. 2(20), 70-91.
- Nofziger, S., & Williams, L. S. (2005). Perceptions of police and safety in a small town. *Police Quarterly*. 8(2), 70-248.
- O'Connor, S. D. (2009). Citizen attitudes toward the police in Canada. *International Journal of Police Strategies & Management*. 31(4), 578-595.
- Pearson, A. L., & Breetzke, J. D. (2014). The association between the fear

- of crime, and mental and physical wellbeing in New Zealand. *Social Indicators Research*. 119(1), 281-294.
- Posick, C., Rocque, M., & McDevitt, J. (2013). One Scale Fits All? Assessing racial differences in the measurement of attitudes toward the police. *Journal of Race and Justice*. 3(3), 190-209.
- Rader, N. E., Cossman, J. S., & Porter, J. R. (2012). Fear of crime and vulnerability: Using a national sample of Americans to examine two competing paradigms. *Journal of Criminal Justice*. 40(2), 134-141.
- Ren, L., Cao, L., Lovrich, N., & Gaffney, M. (2005). Linking confidence in the police with the performance of the police: Community policing can make a difference. *Journal of Criminal Justice*. 33, 55–66.
- Roberts, B., Stickley, A., Petticrew, M., & McKee, M. (2012). The influence of concern about crime on levels of psychological distress in the former Soviet Union. *Journal of Epidemiology Community Health*. 66, 433-439.
- Rountree, P., & Land, K. (1996). Burglary victimization, perceptions of crime risk, and routine activities: A multilevel analysis across Seattle neighborhoods and census tracts. *Journal of Research in Crime and Delinquency*. 33, 147-180.
- Scarborough, B. K., Like-Haislip, T. Z., Novak, K. J., Lucas, W. L., & Alarid, L. F. (2010). Assessing the relationship between individual characteristics, neighborhood context and fear of crime. *Journal of Criminal Justice*. 38(4), 819-826.
- Schafer, J., Heubner, B., & Bynum, T. (2006). Fear of crime and criminal victimization: Gender-based contrasts. *Journal of Criminal Justice*. 34, 285-301.
- Skogan, W. G. (2009). Concern about Crime and Confidence in the Police Reassurance or Accountability? *Police Quarterly*. 12(3), 301-318.
- Stafford, M., Chandola, T., & Marmot, M. (2007). Association between Fear of Crime and Mental Health and Physical Functioning. *American Journal of Public Health*. 97, 2076-2081.
- Warr, M. (2000). Fear of crime in the United States: Avenues for research and policy. *Journal of Criminal Justice*. 4, 452–489.
- Weitzer, R., & Tuch, S. A. (2006). *Race and Policing in America: Conflict and Reform*. Cambridge University Press, New York, NY.
- World Health Organization. (2008). *what is mental health?* Http://: www. Who into/ topic/ mental health.
- Worrall, J. L. (2006). The discriminant validity of perceptual incivility measures. *Justice Quarterly*. 23, 360-383.